

نسبت عدالت و کارآمدی نظام سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۱

جلیل دارا^۱

محمد لعل‌علیزاده^۲

چکیده

عدالت یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در همه مکاتب سیاسی و از جمله ادیان الهی، به‌ویژه دین اسلام، مورد توجه اندیشمندان بوده است. از طرفی مفهوم کارآمدی از جمله واژه‌هایی است که در اندیشه‌های مدرن نیز به آن پرداخته شده است. در این پژوهش، هدف بررسی نسبت میان کارآمدی و عدالت در اندیشه اسلام و نگاه امام خمینی است. لذا پرسش اصلی این است که چه نسبتی میان عدالت و کارآمدی در اندیشه امام خمینی (ره) وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در اندیشه امام (ره) و بر مبنای دیدگاه اسلام برخلاف دو مکتب لیبرالیسم و سوسیالیسم، عدالت و کارآمدی در یک نظام طولی قابل ارزیابی می‌باشد و رابطه عموم و خصوص مطلق بین این دو مفهوم برقرار است. لذا از نگاه وی، عدالت مفهومی عام‌تر و گسترده‌تر می‌باشد؛ به گونه‌ای که مفهوم کارآمدی را نیز در برمی‌گیرد. در واقع، برقراری عدالت شرط اصلی کارآمدی است و کارآمدی در یک سیر طولی، تقویت عدالت اجتماعی را به همراه دارد. روش به کار گرفته در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد و داده‌های پژوهش کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: امام خمینی، عدالت، کارآمدی، جهان‌بینی توحیدی، لیبرالیسم و سوسیالیسم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس: j.dara@modares.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه پیام نور، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور تهران: M_lalalizadeh@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

یکی از پرمجاده‌ترین مباحث و اختلافات در حوزه اندیشه سیاسی، تعریف مفهوم عدالت می‌باشد و از طرفی جایگاه موضوع عدالت در نظام‌های سیاسی و نقش آن در کارآمدی نظام سیاسی از جمله دغدغه‌های عالمان حوزه سیاست، به‌ویژه جامعه‌شناسان سیاسی به‌شمار می‌رود. بی‌شک، تبیین نسبت عدالت و کارآمدی و رابطه‌ای که می‌تواند با هم داشته باشند از جمله موضوعات مهم اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی به‌ویژه علوم سیاسی است؛ چراکه تبیین چگونگی این رابطه بر حوزه عملکردی سیاست‌مداران در نظام سیاسی تأثرگذار خواهد بود.

به لحاظ تاریخی، زمانی عدالت بحث اساسی فلاسفه سیاسی بود و زمانی دیگر مفاهیمی نظیر آزادی و در دوره جدیدتر کارآمدی اهمیت یافت. با بررسی ادبیات تاریخی و توصیفی اندیشه‌های غربی و اسلامی، پیشینه بررسی نسبت این دو مفهوم، با قدمت اندیشه‌ورزی درباره عدالت برجسته می‌گردد. سوفسطائیان نگرش منفی به عدالت داشتند و در اندیشه افلاطون و ارسطو، عدالت در محور اندیشه سیاسی قرار گرفت. تاروپود عدالت در اندیشه سیاسی غرب، متأثر از فلسفه یونان بر مبنای حقوق طبیعی است. از طرفی مفهوم آزادی در اندیشه یونان باستان با مفهوم شهروند و قانون در آمیخته شد و بعدها در اندیشه رواقیون و به‌ویژه کانت در عصر جدید، دچار تغییر اساسی گردید. این جدال در اندیشه سیاسی به این صورت تداوم یافت که عده‌ای به عدالت و برخی به آزادی متمرکز شده‌اند؛ اگرچه باوجود این نگاه سلبی به رابطه آزادی و عدالت، جان رالز^۱ در است نظریه عدالت به مثابه انصاف را به‌عنوان راه‌حلی برای معمای دو وجهی آزادی و عدالت ارائه دهد. جدال آزادی و عدالت از سویی دیگر، مبارزه و تضاد میان کارآمدی و عدالت را به همراه داشته است؛ ارتباط، تضاد و تلفیق این دو مؤلفه، قدرت سیاسی و سازماندهی‌های سیاسی را شکل داده است. نظریه‌های مختلف، رابطه این دو مفهوم را تبیین و تحلیل کرده‌اند؛ نظریه‌های توفیق، عدالت‌جویی و رضایت در حوزه کارآمدی، مهم‌ترین و شایان توجه‌ترین نظریه‌های علمی در راستای تعیین نسبت میان دو اصطلاح عدالت و کارآمدی می‌باشند (کدخدایی و عباسیان، ۱۳۹۹: ۱-۲؛ لاریجانی، ۱۳۷۳: ۷۷-۹۳؛ رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۵).

در اندیشه اسلامی، عدالت به عنوان اصل بنیادین و از اصول اساسی دین اسلام، تمرکز اصلی اندیشه‌ورزی بوده است و کارآمدی و سایر مفاهیم در راستای این مفهوم محوری تعریف شده‌اند. در نظر اندیشه‌ورزان اسلامی، گیتی براساس اعتدال است و هرچیز در جایگاه واقعی خود قرار دارد و حق واقعی خود را دریافت می‌دارد و وظیفه اصلی خویش را انجام می‌دهد. عدالت به معنای تحقق استعداد است (رستمی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). تفسیر جایگاه واقعی، حق واقعی خود و تحقق استعدادها، تعریف کارآمدی در پرتو عدالت است. اندیشه‌ورزان مسلمان با تأسی از قرآن بالاترین تأکید را بر عدالت دارند. این تأکید در دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان نظیر فارابی، ابن‌سینا، خواجه‌نصیر، ملاصدرا و سایر اندیشه‌ورزان اسلامی تا امام خمینی با تفاوت‌هایی در تبیین الزامات نظری، تداوم یافته است. امام خمینی در چارچوب تفکر اسلامی با نقد ضمنی دوگانه انگاری این دو مفهوم در اندیشه سیاسی غرب، رابطه و نسبت این دو را تبیین کرده‌اند. با مراجعه به سیره نظری و عملی امام خمینی به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی می‌توان نگاه ایشان را نسبت به رابطه میان عدالت و کارآمدی استخراج نمود. گروه‌ها و احزاب سیاسی در کشور بعضاً هرکدام با توسل و تأکید به بخشی از اندیشه امام و انتخاب گزینشی آن در صدد اولویت قائل شدن به یکی از این مؤلفه‌ها هستند، لذا مشاهده می‌شود که در امر حکمرانی رویکردهای متفاوتی را اتخاذ می‌کنند. از طرفی، بحث و بررسی پیرامون این رابطه از مباحث دیرینه‌ای است که مکاتب لیبرالیسم و سوسیالیسم نیز به آن پرداخته‌اند. اختلاف نظری که دو مکتب فوق با یکدیگر در این خصوص داشته و اختلاف اساسی‌ای که مکتب اسلام با این دو مکتب دارد از جمله مباحثی است که همچنان ادامه دارد. امام خمینی از جمله متفکرانی است که به صورت مبسوط نسبت به تعریف از عدالت و جایگاه آن در نظام اسلامی پرداخته است.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

از مهم‌ترین اهداف پژوهش تعریف و تبیین مفهوم عدالت در اندیشه امام خمینی و نسبت آن با کارآمدی است. هدف دیگر پژوهش روشن نمودن اختلاف نظر میان مکاتب امروزی بشری بر سر جایگاه عدالت در نظام سیاسی است. سه مکتب لیبرالیسم، سوسیالیسم و اسلام نگاه خاص خود را نسبت به مفاهیمی چون عدالت و کارآمدی دارند. از آنجاکه هم مفهوم عدالت و هم

مفهوم کارآمدی از جمله مفاهیم کلیدی نظام سیاسی در مکتب اسلام می‌باشد و از طرفی پرداختن به دیدگاه امام خمینی به‌عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی نسبت به مفاهیم ذکر شده حائز اهمیت است انجام این پژوهش از اهمیت خاصی برخوردار است. در راستای این اهداف و اهمیت موضوع، پرسش‌های زیر طرح گردید: پرسش اصلی پژوهش این است که چه نسبتی میان عدالت و کارآمدی نظام سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی وجود دارد؟ از جمله پرسش‌های دیگر پژوهش اینکه مفهوم عدالت و کارآمدی در اندیشه ایشان چگونه تبیین شده است و معیارها و شاخص‌های آن کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

بررسی منابع و ادبیات موجود نشان می‌دهد که آثار فراوان و غنی در حوزه عدالت، و عدالت در اسلام وجود دارد. درباره جایگاه عدالت در اندیشه امام خمینی نیز آثاری به رشته تحریر درآمده‌اند. به‌طور مثال دو مقاله «نسبت عدالت با آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی» (انصاری و نظری، ۱۳۹۳-۱۳۹۴)، «عدالت در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)» (طیاری، ۱۳۹۷) و کتاب *گفتارهایی در اندیشه اجتماعی امام خمینی (باتاکید بر عدالت و توسعه)* (میرسندی، ۱۳۸۱) از آثار منتشر شده است. اگرچه در زمینه عدالت در اسلام و اندیشه امام نیز آثار متعددی تدوین شده است اما آثار محدودی با موضوع کارآمدی در اسلام و اندیشه امام وجود دارد. مقالات «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام خمینی» (قاسمی، ۱۳۸۹)، «شاخص کارآمدی اسلام در بعد ساختاری نظام اسلامی» (نوروزی، ۱۳۹۴)، «کارآمدی نظام اسلامی» (فتحعلی، ۱۳۸۳) و کتاب *درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵)* از جمله این آثار می‌باشد. بنابراین، هرچند مفهوم عدالت در اندیشه امام، به‌طور مستقل مورد بررسی قرار گرفته اما آثار مستقلی مربوط به نگاه ایشان نسبت به مفهوم کارآمدی وجود ندارد. از طرفی، نوآوری پژوهش این است که ضمن تعریف این دو مفهوم در اندیشه امام خمینی به رابطه دو مفهوم عدالت و کارآمدی نظام سیاسی در اندیشه ایشان می‌پردازد.

ملاحظات نظری

تعریف مفاهیم

مفهوم عدالت و عدالت اجتماعی

عدالت^۱ دیرین‌ترین خواسته و بنیادی‌ترین آرمان انسان‌هاست که در تمام دوره‌های تاریخ، مقدس بوده و آرمانی است که همه جوامع در جهت تحقق آن گام برمی‌دارند. اما شیوه اجرای عدالت و تعریف آن در جوامع، نظام‌های سیاسی و گروه‌های سیاسی متفاوت است.

عدالت در لغت به دادکردن، دادگر بودن، انصاف داشتن و دادگری تعریف شده است. عدالت اجتماعی^۲ عدالتی تعریف شده که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (معین، ۱۳۶۲: ۲۲۷۹). در فلسفه سیاسی سرآغاز گفتار افلاطون در کتاب جمهوری و موضوع اصلی آن عدالت است. عدالت از این دید یعنی هرکسی فقط کاری را که برای آن ساخته شده است و استعدادش را دارد، انجام دهد و در کار دیگری دخالت نکند (عنایت، ۱۳۵۱: ۳۴-۳۵). ارسطو عدالت را اعطای حق به سزاوار آن می‌داند و آن را فضیلتی می‌نامد که به موجب آن باید به هرکسی آنچه را که حق و استحقاق اوست داد (عنایت، ۱۳۵۱: ۱۱۱-۱۱۲). در کنار این عدالت فردی، عدالت اجتماعی، عدالتی است که باید در سطح جامعه برقرار گردد. در اندیشه سیاسی اسلام، عدالت اجتماعی از جایگاه والایی برخوردار بوده است؛ پیامبران برای تحقق عدالت اجتماعی نازل شده‌اند. فیلسوفان سیاسی مسلمان نظیر فارابی، ابن‌سینا و به‌ویژه خواجه نصیرالدین طوسی عدالت اجتماعی را مورد توجه خود قرار داده‌اند. خواجه نصیر به نیاز زندگی اجتماعی به اصول عدالت می‌پردازد و اگرچه همچون یونانیان قائل به رویکردی حد وسط‌گرایانه بود و برای عقل در حوزه دریافت معارف رسالت قائل بود اما در نهایت عقل را ذیل شرع می‌نشانند و از آن به‌مثابه دهلیزی برای دریافت شرع یاد می‌کند (نادری و سرلک، ۱۳۹۵: ۹۱).

مفهوم کارآمدی و کارآمدی نظام سیاسی

واژه کارآمد^۳ در لغت به معنای کاردان، کارآموده، ماهر، خبره، حاذق، باتدبیر، شایسته، بهره‌ور، با کفایت، مؤثر و کارا به‌کار رفته است (انوری، ۱۳۸۱؛ معین، ۱۳۸۸؛ عمید، ۱۳۷۱). به کسی که

1. Justice.
2. Social Justice.
3. Efficient.

کارها را به نیکوئی انجام دهد، آنکه کار داند، کارآمد گویند (دهخدا، ۱۳۷۷). کارآمدی معادل واژه انگلیسی Effectiveness است که با کلماتی مانند کارایی، کارآمدی، تأثیرگذاری، اثربخشی مترادف می‌باشد (کوزه‌گر، ۱۳۹۲: ۹۲) و به مفهوم قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص می‌باشد. سنجش مقدار کارایی از طریق مقایسه مقدار استاندارد با هدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده است، انجام می‌شود (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶). با رویکرد سیاسی، کارآمدی بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کارویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم را در پی دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۶). از نظر پارسونز^۱، زمانی نظام سیاسی کاراست که کارویژه‌های خاص خود را به خوبی انجام دهد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۸۷). در حوزه مدیریت سیاسی، کارآمدی درجه و مقداری است که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده نائل می‌شود (تقوی، ۱۳۹۰: ۲۴). در این پژوهش، کارآمدی نظام سیاسی یعنی توانایی نظام سیاسی در بهره‌مندی از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها جهت رسیدن به اهداف تعیین شده و میزان موفقیت در تحقق اهداف در نظر گرفته شده است.

کارآمدی نظام‌های سیاسی از مسائل بسیار مهم علم سیاست است؛ چراکه نقش مهمی در برقراری عدالت، اقتدار و ثبات سیاسی نظام‌های سیاسی دارد. توافق بر اصل کارآمدی نظام سیاسی محور مشترک همه نظام‌های سیاسی است اما با توجه به تفاوت‌های کلان نظام‌های سیاسی در مبانی نظری، اهداف، کارویژه‌ها، اختیارات و ابزارهای اجرایی، شاخص‌ها و ملاک-های کارآمدی نیز متفاوت است (کلانتری، ۱۳۹۳: ۴۶۶). میزان کارآمدی در هر نظام سیاسی تابعی از نظام فکری و ارزشی آن نظام خواهد بود. بی‌تردید کارآمدی نظام سیاسی اسلامی متفاوت از کارآمدی در نظام‌های سیاسی غیراسلامی است.

چارچوب مفهومی

عدالت در اندیشه اسلامی

از مباحث مهم دین اسلام، عدل و عدالت است؛ تا حدی که در قرآن و سنت به این موضوع بسیار تأکید شده است. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دادگری پیشه سازید و در اقامه عدل و

1. Parsons.

داد بکشید» (نساء: ۱۳۵). حتی در قرآن اشاره به رفتار عادلانه در برابر دشمنان نیز شده است: بغض و عداوتی که با قوم و جماعتی دارید شما را به نادیده گرفتن عدل و دادگری در معامله با ایشان وادار نکنند، بلکه در همه احوال و با همه افراد با دادگری رفتار نماید (مائده: ۸). در واقع، برقراری عدالت از مهم‌ترین اهداف انبیاء بوده است (حدید: ۲۵). در کلام و فعل پیامبران و ائمه تأکید بر عدالت‌ورزی و عمل به آن مشهود است. از طرفی در اندیشه بنیانگذار فلسفه اسلامی، فارابی، تا اندیشه بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره)، «عدالت» کلیدواژه اندیشه‌ورزان اسلامی محسوب می‌شود؛ تا جایی که تشکیل جامعه‌ای مبتنی بر عدالت به عنوان آرمان نهایی بسیاری از آنان بوده است.

فارابی با تأکید بر جهان مبتنی بر تعادل و اعتدال و این که نفس انسان مرکب از قوای متعدد است و اعتدال، در قوای او همان عدالت است، عدالت را با مفهوم اعتدال تعریف می‌کند. لذا به اعتقاد وی سلامتی بدن، همان تعادل مزاج و طبع‌های آن است و بیماری بدن، کجی و انحراف از تعادل است. همچنین سلامتی و برپا بودن جامعه، ناشی از تعادل اخلاق افراد و بیماری آن ناشی از تفاوت در اخلاق آنهاست (فارابی، ۱۴۰۵: ۲۴). از نظر فارابی، کمال اخلاق انسان و جامعه در اعتدال و هماهنگی میان امیال متضاد است. در هر چیزی یا امری، وضعیت یا نقطه اعتدالی وجود دارد و این حالت نشان از وجود عدالت در آن چیز یا امر است (ترکاشوند و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۸۲). در اندیشه ابن‌سینا نیز عدالت پایه در شریعت دارد. میان‌روی و اعتدال همان عدالت در اندیشه ابن‌سینا است (خدوری، ۱۳۹۴: ۱۳۶). در کتاب *شفا* آمده است: «عدالت و عدل است که قوانین شرع را حفظ می‌کند» (ابن‌سینا، ۱۳۸۸: ۴۴۰) متفکرانی متعدد اسلامی نظیر خواجه نصیرالدین طوسی، ابن‌مسکویه، جلال‌الدین دوانی، غزالی، سهروردی، ملاصدرا، سیدقطب، شریعتی، مطهری و امام خمینی با استناد به منابع فقهی و بعضاً با تعبیر متفاوت به موضوع عدالت پرداخته‌اند.

اسلام و کارآمدی

درباره جایگاه کارآمدی در اسلام، شواهد مستند حاکی از متناسب بودن مفهوم کارآمدی با جهان‌بینی اسلامی است. با توجه به اینکه در جهان‌بینی اسلامی جلب رضایت خداوند و اجرای

احکام و دستورات الهی از اهداف مهم حکومت است و رضایت و خواست مردم در طول رضایت الهی قرار می‌گیرد، مفهوم کارآمدی نیز در این راستا تعریف می‌گردد. با این رویکرد به کارآمدی، علاوه بر مؤلفه‌های مادی، ابعاد معنوی نیز در صورت‌بندی تعریف کارآمدی اولویت و اهمیت پیدا می‌کند؛ چراکه اسلام دینی است که تأکید دارد سعادت اخروی از سامان دنیا می‌گذرد. بنابراین، کارآمدی در نگاه اسلامی با شاخصه‌های دینی و معنوی بودن تبیین می‌شود. در واقع، از آنجاکه هدف اصلی اسلام، سعادت و کمال اخروی انسانهاست و تشکیل حکومت اسلامی در این راستا صورت می‌گیرد، کارآمدی در نگاه اسلامی نیز میزان توانایی و قابلیت رسیدن به این هدف مشخص می‌باشد. در آیه ۵۵ سوره نور، ویژگی‌های جامعه و نظام اسلامی و رمز موفقیت نظام در انجام وظایف و دستیابی به اهدافش را چنین توصیف کرده است: خدا به مؤمنان و کسانی که اعمال شایسته انجام می‌دهند وعده داده است که آنان را در زمین همچون پیشینیان خلافت بخشد و دین مورد رضایت آنها را استقرار دهد و ترس آنان را به امنیت تبدیل کند تا مرا بپرستند و شرک نوزند و کسانی که پس از این کافر شود، خود تبهارند. براساس این، آیه و بسیاری از آیات قرآن، اسلام شرط موفقیت و کارآمد بودن انسان و به‌طور کلی، کارآمد بودن جامعه و نظام اسلامی در دنیا و آخرت را ایمان و عمل صالح قرار داده است (یونس: ۹؛ فصلت: ۸؛ محمد: ۲؛ طلاق: ۱۱؛ عصر: ۲ و ۳).

بنابراین از نظر اسلام و قرآن، شخص یا اشخاصی در انجام وظایفشان موفق‌اند که ایمان آورده و اعمال شایسته انجام دهند و از حسن فاعلی و حسن فعلی برخوردار باشند (نبوی، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۸). حتی در آیاتی از قرآن بر حسابگری، حسابرسی، کارآمدی و پاسخگویی به‌عنوان اساس خلقت الهی تأکید شده است (نور: ۳۹؛ انشقاق: ۶-۹؛ انعام: ۵۲ و ۹۶؛ فرقان: ۱۶). در نهج‌البلاغه نیز از اصل شایسته‌سالاری به‌عنوان زیرساخت کارآمدی و تأکید بر کارآمدی زمامداران بسیار سخن گفته شده است. به‌طور مثال، حضرت علی(ع) در خصوص اینکه از ویژگی‌های حکومت اسلامی واگذاری مناصب براساس لیاقت و شایستگی افراد است می‌فرماید: «کارگزار باید داناترین مردم به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون و امر و نهی الهی و هرآنچه را که مردم بدان نیازمندند باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۱۶۵). همچنین در واگذاری امور دفترداری و دبیری به افراد شایسته، می‌فرماید: «کارهای خود را به بهترین دبیران بسپارید»

(حیدرپور، ۱۳۸۵: ۶۴). به‌خوبی می‌توان در کلام حضرت، جایگاه کارآمدی در نظام اسلامی را فهم نمود.

می‌توان گفت در نگاه اسلامی و قرآنی علاوه‌بر اینکه شاخص‌های کارآمدی در نظام اسلامی، شامل شاخص‌های عام کارآمدی نظیر برقراری عدالت، رفاه، امنیت و آزادی می‌شود میزان پایبندی جامعه به ارزش‌های اعتقادی دین اسلام و میزان عامل بودن کارگزاران و افراد جامعه به احکام اسلامی و نیز میزان تلاش مسئولان برای ایجاد زمینه در مردم برای عمل به احکام اسلامی (نبوی، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۸) را می‌توان به‌عنوان شاخص خاص کارآمدی در اسلام در نظر گرفت. اصول عدالت، شایسته‌سالاری، مهارت و تجربه‌گرایی، نظارت و کنترل، قانون و ضابطه‌گرایی، تکلیف و امانت‌داری، الگو بودن رهبران و مدیران و ساده زیستی آنان، قناعت و پرهیز از اسراف و مسئولیت‌شناسی (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۷۴) و کارکرد حل مشکلات، برابری انسان‌ها، عقل‌گرایی، وحدت‌گرایی، مصلحت‌محوری، شورا و مشورت و آینده‌نگری از مهم‌ترین شاخص‌های کارآمدی در اسلام به‌شمار می‌آیند.

کارآمدی نظام اسلامی با توجه به اهداف حکومت مطلوب اسلامی، متفاوت از کارآمدی در نظام‌های غیراسلامی است؛ نظام سیاسی اسلامی همانگونه که بیان شد باید هم جنبه‌های عام کارآمدی و هم جنبه‌های خاص کارآمدی را دارا باشد؛ چراکه مأموریت دارد هم مطلوبیت دنیوی و هم سعادت و سربلندی اخروی را برای شهروندان فراهم کند.

نسبت عدالت و کارآمدی در اسلام

نظریه‌ها در زمینه نسبت عدالت و کارآمدی به سه دسته کلی قابل تقسیم می‌شوند: مکاتب لیبرال، سوسیال و دیدگاه اسلامی. همان‌طور که یکی از دغدغه‌ها و آرمان‌های اصلی فلسفه سیاسی تلاش جهت برقراری تعادل بین آزادی و برابری بوده است، بحث رابطه عدالت و کارآمدی نیز مرتبط با این تلاش و در پرتو دوگانه‌انگاری عدالت و آزادی، بسیاری از مکاتب و اندیشه‌ورزان را به تأمل و جدال واداشته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت یکی از وجوه تمایز مکاتب، تفاوت در ارائه تعریف و تفسیر واژه‌های عدالت و کارآمدی است. نگرش‌های متفاوت اسلام،

لیبرالیسم و سوسیالیسم نسبت به این مفاهیم و رابطه آنها بخشی از تمایزات این مکاتب را برجسته می‌سازد.

درواقع، در گفتمان لیبرال، آزادی و کارآمدی نسبت به عدالت مقدم و اولی است. لذا در گفتمانی که فرد و انسان و سود مادی او اهمیت و اولویت پیدا کنند، مرجعیت دین و اعتقاد به جمع و عدالت از بین می‌رود یا کاهش پیدا می‌کند. در این گفتمان، تقابل و تعارض آزادی با عدالت و برابری در جامعه و حداکثر کردن کارآمدی قابل مشاهده است. در این نگاه، پیگیری عدالت منجر به نقصان کارایی و کارآمدی می‌گردد (پورغفار و حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۲). از طرفی سوسیالیست‌ها، برخلاف لیبرال‌ها، غایت اصلی خود را عدالت اعلام کرده‌اند. لذا هر چند تفاوت و ستیز فراوانی در بین سوسیالیست‌ها درباره این غایت وجود دارد اما اشتراک اصلی آنها اولویت و تقدم عدالت بر آزادی و کارایی است. از نگاه اونیل، توجه اصلی به عدالت اقتصادی، آزادی فردی را تضعیف می‌کند و درخواست‌ها برای برابری اقتصادی بیشتر، ممکن است حکومت را به سوی اعمال کنترل بیشتر بر مالکیت خصوصی و ثروت شخصی افراد هدایت کند (اونیل، ۱۳۸۶: ۲۵). به عبارتی، سوسیالیست‌ها با رد این ایده که آزادی فردی رفاه اکثریت را تضمین می‌کند، معتقدند براساس تفکر لیبرالی، در کشمکش بر سر منابع اقتصادی، یک گروه اقلیت بر بازار و دولت مسلط خواهند شد. لذا تمرکز بر کارآمدی، نابرابری و بی‌عدالتی را به همراه خواهد داشت.

در حالی که از نگاه اسلام، مفهوم کارآمدی متفاوت از مفهوم کارآمدی در نگاه لیبرالی و سوسیالیستی است. در این نگرش به مفهوم کارآمدی، اگرچه سطح مطلوبیت فرد با مردم در پیوند قرار می‌گیرد اما مطلوبیت و رضایت مردم در ارتباط با رضایت خداوند تعریف می‌شود. بنابراین، یکی از شرایط لازم برای تحقق عدالت، دستیابی به کارآمدی توأم با رضایت الهی است. بنابراین، مطابق شکل شماره ۱ در جهان‌بینی اسلامی رابطه عدالت و کارآمدی رابطه عموم و خصوص مطلق است: در این رابطه، یکی از این مفاهیم بر تمام مؤلفه‌های دیگری صدق می‌کند و تمام قلمرو آن را دربرمی‌گیرد (عدالت)؛ اما دیگری تمام قلمرو و مفهوم اول را شامل نمی‌شود؛ بلکه فقط بعضی از آن را دربرمی‌گیرد (کارآمدی).



شکل شماره ۱ رابطه عدالت و کارآمدی در اسلام

به عبارت دیگر، عدالت مفهومی عام‌تر و گسترده‌تر می‌باشد که سایر مفاهیم نظیر کارآمدی را نیز دربرمی‌گیرد. البته این دو مفهوم در تعارض باهم نیستند ولی جایگاه یکسانی هم ندارند. همین تفسیر در رابطه عدالت و آزادی در اسلام نیز دیده می‌شود: عدالت و آزادی در اصل باهم برابر اما در فرع، عدالت بر آزادی ارجحیت دارد. عدالت و آزادی هر دو برای جامعه لازم و ضرورت دارند اما عدالت به‌عنوان زیربنای سایر مفاهیم و شالوده نظام سیاسی اسلام معرفی می‌شود (انصاری و نظری، ۱۳۹۳-۱۳۹۴: ۲۸). اندیشه‌ورزی امام در راستای این منظومه فکری و جهان‌بینی اسلامی قابل تحلیل است: عدالت در اندیشه امام مفهومی عام‌تر و گسترده‌تر است و مفهوم کارآمدی را نیز دربرمی‌گیرد و کارآمدی در راستای عدالت و در قلمرو معنایی این مفهوم تعریف و تشریح می‌گردد.

روش پژوهش

با توجه به نظری و مفهومی بودن پژوهش و لزوم ارتباط بین دو مفهوم عدالت و کارآمدی در اندیشه یکی از متفکران اسلامی، در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره‌جسته‌ایم. بر مبنای این روش، در پژوهش مذکور ابتدا با استفاده از بررسی و توصیف آثار امام خمینی

در باره نسبت دو مفهوم عدالت و کارآمدی، همچنین آثار و تحلیل دیگران درباره نسبت عدالت و کارآمدی در دیدگاه امام، به توصیف مفاهیم کلیدی پژوهش پرداخته و با استمداد از مباحث نظری، به تحلیل رابطه این دو مفهوم از نگاه ایشان می‌پردازیم. داده‌های پژوهش بیانات و آثار امام و سایر نویسندگانی می‌باشد که در این خصوص صاحب اثر هستند.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش دو پرسش مطرح گردید؛ اولین پرسش در خصوص تعریف عدالت و شاخص‌های آن در نگاه امام خمینی است که در ذیل به آن می‌پردازیم.

- عدالت در اندیشه امام خمینی

اهمیت موضوع عدالت در اندیشه و آثار امام خمینی از فراوانی کاربرد این واژه و مشتقات آن قابل دریافت است. در مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام خمینی، ۴۷۱ مورد واژه عدالت اجتماعی، ۳۸۲ مورد واژه عدل، ۱۷۳ مورد واژه عادل و ۱۵ مورد واژه قسط استفاده شده است (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۴۶۹). امام برقرازی عدالت اجتماعی را مقصد بزرگ اسلام معرفی نموده (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۴۷) و اهداف نظام اقتصادی اسلام را در راستای تحقق اهداف مکتب اسلام عنوان می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۴: ۱۷۶). نگاه وی به عدالت، جامع و چندبعدی است. ایشان عدالت را به‌عنوان صفت الهی (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۳۸۷)، به‌معنای ویژگی اجتماعی (امام خمینی، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۱) و به‌معنای اعتدال (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۴۶۳) به‌کار برده‌اند. البته مفهوم عدالت به‌معنای اعتدال، در اندیشه فیلسوفان غربی و اندیشه‌ورزان اسلامی از فارابی به بعد به تاسی از ارسطو نیز استفاده شده است. امام خمینی بر مبنای تفکر اسلامی، عدالت را به‌معنای رعایت حد وسط در امور تعریف می‌کند. به اعتقاد وی، اعتدال حد وسط بین افراط و تفریط و آن از امهات فضایل اخلاقیه است (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۴۷). امام در شرح حدیث جنود عقل و جهل، عدل را از لشکریان عقل و جور را از لشکریان جهل می‌داند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۴۶۱-۴۶۲).

امام براساس اندیشه کلام اسلامی؛ یعنی نفی توأمان جبر و اختیار محض و پذیرش حد میانی جبر و اختیار (امر بین الامرین) و قبول حق‌گزینش و آزادی انسان، بر این باور بود که

انسان نه تنها توان تحقق عدالت در نفس خود را داراست بلکه می‌تواند نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت را نیز تأسیس کند. او در مسائل اجتماعی علاوه بر تکیه بر توزیع عادلانه ثروت‌ها و امکانات جامعه به توزیع صحیح و عادلانه مناصب، برابری آدمیان در برابر قانون، رفتار عادلانه حکومت با مردم توجه داشت (اخترشهر، ۱۳۹۴: ۱۸۱). در نگاه امام در جامعه توحیدی، عدل الهی منشأ تمام امور خواهد بود. عدالت در جامعه منتج از عدل الهی و توحید است. در چنین جامعه‌ای، زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است و ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی مبنای پیمان‌ها و/یا قطع روابط است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۸۱).

بنابراین از دید امام، عدالت مفهومی گسترده و چندبعدی است که جنبه‌های الهی، فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. این مفهوم به معنای قائل نشدن امتیاز برای قشرهای خاص، نجات مستمندان از زیربار ستمگران، صفت خداوند، طریق کمال انسان، ملکه‌ای نفسانی، اعطای حق به صاحبان حق، مراعات شایستگی‌ها، انجام صحیح و بایسته امور، انصاف، بی‌طرفی، طریقه و راه مستقیم و اعتدال در آثار ایشان تعریف شده است. از دید امام در تقسیم‌بندی ارزش‌ها به مادی و معنوی، عدالت از جمله ارزش‌های معنوی دسته‌بندی شده است (میرسندسی، ۱۳۸۱: ۴۶). در نظر امام، قانون باید مبتنی بر عدل باشد. بنیان تمام قوانین و احکام شرع بر پایه عدالت است. «احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون حکومت می‌اشند، احکام مطلوب بالعرض و اموری ابزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۴۷۲).

– معیارها و شاخص‌های عدالت از دیدگاه امام خمینی

با نگاهی به آثار امام و کثرت کاربرد عدالت اجتماعی در اندیشه ایشان، اهمیت بعد اجتماعی عدالت آشکارتر می‌گردد. عدالت اجتماعی عدالتی است در سطح زندگی جمعی و شامل ابعاد عدالت اقتصادی، قضایی و سیاسی می‌شود. در بعد عدالت اقتصادی، امام قائل به نگاه اسلامی و عدالت فرگیر است. توجه به رفاه و امنیت عمومی و برابری فرصت‌ها از اهداف حکومت اسلامی است: «همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بریندند و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی

مادی و معنوی برخوردار باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۷: ۳۴۲). در بعد عدالت قضایی، تأکید بر اهمیت و جایگاه مسئله قضا و اجرای قوانین داشتند «باید خیلی توجه بکنند آقایان قضات، آقایان دادستان‌ها، کسانی که متکفل این امر مهم اسلامی هستند که مسئولیت، زیاد است و لازم هم هست که شما مسئولیت را به‌عهده بگیرید. باید وارد شد لکن یک امر بزرگی است» (امام خمینی، ج ۱۶: ۲۵۲). از شاخصه‌های مهم عدالت سیاسی در نگاه امام، مشارکت برابر است؛ لزوم مشارکت مردم و اتکا به آرای ملت و نظارت مردم بر حکومت در آثار و نوشته‌های ایشان بسیار مورد توجه بوده است. آگاهی مردم و مشارکت و نظارت همگانی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضامن حفظ امنیت در جامعه خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۴: ۲۴۸). در گفتمان امام، جمهوریت، مردم‌گرایی، ظلم‌ستیزی، توجه به مستضعفان و سایر دال‌های شناور مرتبط با دال‌های مرکزی عدالت، در راستای به تعالی رسیدن انسان و نیز نیل به حقیقت متعالی، معنا می‌یابد که همان تحقق عدالت است (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۳۱۶ و ۳۱۷). مشارکت سیاسی برابر، گزینش سیاسی برابر و امنیت سیاسی برای همگان سه شاخص مهم عدالت سیاسی در اندیشه امام است (جمشیدی و درودی، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

از بیانات و آثار امام برخی شاخص‌های عدالت اجتماعی استخراج شده است (ایران‌نژاد، جمشیدی و فرشباغان، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۳۱).

۱. از بین بردن فقر و تهیدستی: مال ملت ما را نباید ببرند و بخورند، باید مردم در رفاه باشند. باید فقر را برایشان فکر کرد؛ باید زاغه‌نشین‌های بیچاره را که هیچ ندارند، باید برای اینها فکر کرد (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۱۳).

۲. فقدان شکاف در سطح معیشت جامعه: این شاخص و معیار تحقق عدالت اجتماعی با مورد قبل مکمل یکدیگر هستند (ایران‌نژاد، جمشیدی و فرشباغان، ۱۳۹۱: ۱۲۹). «این معنا امروز دیگر عملی نیست که یک دسته‌ای آن بالا باشند و همه چیزهایی را که بخواهند، به‌طورکلی تحقق پیدا کند، پارک‌ها، اتومبیل‌ها و ... یک دسته هم این زاغه‌نشین‌ها باشند. این نه منطق اسلامی دارد، نه منطق انصافی دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۸: ۳۷).

۳. ایجاد رفاه برای همه اقشار (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۶: ۱۹۲).

۴. از بین بردن ظلم و جور (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۷: ۴۳۵). مبارزه با ظلم از اهداف پیامبران و ائمه و از مهم‌ترین شاخص‌های تحقق عدالت اجتماعی از دیدگاه امام است.
۵. ساده زیستی، نفی تشریفات و تجملات به‌ویژه در نزد مسئولین (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۹: ۳۱۷-۳۱۸).
۶. تعدیل ثروت به‌طور عاقلانه
۷. رشد همه‌جانبه استعدادهای تمام افراد جامعه و ضایع نشدن آنها
۸. قرار گرفتن هر فرد در مسئولیت و مقام در خور او
۹. تأمین استقلال و آزادی (ایران‌نژاد، جمشیدی و فرشباغان، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۳۱).

کارآمدی از نگاه امام خمینی

پرسش دوم، تعریف کارآمدی در نگاه امام خمینی است. در اندیشه امام مفهوم کارآمدی به‌صورت مدون و مشخص بیان نشده است. اما از محتوای آثار و کلام ایشان مفهوم کارآمدی قابل استخراج است. با تعریفی که از کارآمدی ارائه شد، اهداف مدنظر حکومت اسلامی و حکومت مطلوب امام و گام برداشتن به سمت این اهداف در چارچوب کارآمدی قرار می‌گیرند. در نگاه امام خمینی، یکی از ملاک‌های اصلی ارزیابی و بررسی عملکرد یک نظام سیاسی با معیارهای برگرفته از مبانی اسلامی، میزان کارآمدی آن نظام است. درواقع، نظام سیاسی مطلوب در دیدگاه اسلامی یعنی با توجه به توانایی، امکانات و موانع پیش روی گام برداشتن و به اهداف نایل شدن است. شاخص‌ها و ویژگی‌های حکومت مطلوب از دیدگاه امام به دو دسته شرط لازم و شرط کمال قابل تقسیم می‌باشند: عدالت، مردمی بودن و ابتناء به آرای عمومی و اسلامی بودن یا ابتناء بر ضوابط و قوانین اسلام (جمشیدی، ۱۳۷۸: ۱۸۲) از شروط لازم تحقق یک حکومت مطلوب است و بنابراین سنجش کارآمدی نظام سیاسی اسلامی نیز بر مبنای این ویژگی‌ها صورت می‌گیرد. دسته دیگر از شاخص‌ها و ویژگی‌های حکومت مطلوب که به‌عنوان شرط کمال از آنها یاد می‌شود شاخص‌هایی چون علم و آگاهی، اجتهادی بودن، عقل و حکمت، کمال اعتقادی و صلاحیت اخلاقی و تقوا، حسن تدبیر و مدیریت، انتقادپذیری و مشورت با مردم، خدمتگزاری، امانت‌داری و ثبات سیاسی (جمشیدی، ۱۳۷۸: ۱۸۲-۱۸۳) شامل می‌گردد.

به عبارتی، از نگاه امام کارآمدی حکومت به معنای عادل بودن حکومت، مردم‌دار بودن و رضایت الهی را جلب کردن است.

از نظر امام «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد. تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت است (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۲۱۷-۲۱۸). کارآمدی حکومت اسلامی از نظر ایشان، تربیت انسان‌ها برای رسیدن به کمال می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۰۹) و هدف غایی حکومت اسلامی نیز تأمین سعادت بشر است (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۲۱۷-۲۱۸). همچنین تأکید ایشان بر اهداف حکومت اسلامی نظیر تعلم و تربیت (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۰)، آزادی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۱۰)، حاکمیت قانون اسلام (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹۴-۹۵)، عدالت، امنیت و رفاه (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۵۳)، استقلال و خودکفایی (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲)، کارآمدی سیاسی از منظر ایشان را ترسیم می‌کند.

– امام خمینی و جایگاه عدالت و کارآمدی

اما پرسش اصلی پژوهش نسب عدالت و کارآمدی در اندیشه امام است. همان‌گونه که ذکر شد، بررسی رابطه عدالت و کارآمدی تابع جهان‌بینی‌ها، نگرش‌ها و تعاریف است. در جهان‌بینی اسلامی، رابطه عدالت و کارآمدی براساس رابطه عموم و خصوص مطلق تبیین گردید. اندیشه امام خمینی (ره) در چارچوب جهان‌بینی اسلامی قابل تفسیر، تحلیل و بررسی است. عدالت و کارآمدی در اندیشه امام نیز در این راستا بیشتر تعریف گردید. تکرار واژه عدالت و مترادف‌های آن در بیانات، سخنرانی‌ها و مکتوبات امام از یک‌سو، و از سوی دیگر، تأکید ایشان به عدالت اجتماعی به عنوان مبنای تشکیل حکومت اسلامی و اینکه حکومت اسلامی را وسیله‌ای برای تحقق هدف‌های عالی الهی و انسانی و عدالت اجتماعی می‌دانستند، بیانگر جامعیت، محوری و کل بودن مفهوم عدالت در اندیشه ایشان هماهنگ با جهان‌بینی اسلامی است. در اندیشه ایشان، هدف از تشکیل حکومت اسلامی برپا داشتن عدالت است؛ تشکیل حکومت ابزاری برای تحقق عدالت در جامعه است. از نظر ایشان، عدالت تنها راه رسیدن به سعادت است؛ یک مفهومی الهی و معنوی است. در حکومت مطلوب ایشان، که ساختاری مبتنی بر نظام ولایت فقیه است،

عدالت از شرایط لازمه ولایت فقیه به‌شمار می‌آید. امام تحقق انقلاب اسلامی و برقراری نظام جمهوری اسلامی نه به دلیل نفس تشکیل حکومت و ایجاد نظام حکومتی در برابر حکومت سلطنتی موروثی بلکه در نگاه ایشان نفس تشکیل حکومت و هدف انقلاب، تحقق عدالت اسلامی است. «هدف نهایی عبارت از همان تأسیس یک حکومت عدل اسلامی است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۵۱۲). سایر مفاهیم مرتبط با حکومت‌داری نظیر کارآمدی نیز در این چارچوب قابل استخراج از اندیشه امام می‌باشند. در واقع، رابطه طولی بین عدالت و کارآمدی در اسلام و اندیشه امام وجود دارد. نگاه مبنایی امام به عدالت بیانگر این است که عدالت اساس و مبنای سایر مفاهیم و آرمان‌هاست: «عدل اسلامی را مستقر کنید. با عدل اسلامی همه و همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۱۵).

شاخص‌ها و مؤلفه‌های کارآمدی در اندیشه امام، خدمت به مردم، قانونگرایی و حاکمیت قانون، توجه به مصلحت نظام، نظارت مردم و مسئولیت‌پذیری، شایسته‌سالاری در حکومت، اقتصاد مردمی، شورا و مشارکت‌جویی، جلب رضایت و محبت مردم، عقل‌گرایی و وحدت‌گرایی (صدر و کرم‌زادی، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۳۴؛ قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۷۵). هماهنگ با جهان‌بینی اسلامی و تعریف امام از اعتقادات دینی و اصولی نظیر عدالت صورت‌بندی شده‌اند. به‌عبارتی، موارد فوق ابعاد مختلف عدالت اجتماعی هستند. امام درباره مبنایی بودن عدالت و به‌نوعی ارتباط شاخص‌های موصوف و مفهوم کارآمدی با عدالت در صحیفه تأکید داشته‌اند: «رسول‌خدايي که سال‌های طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد برای اینکه، عدالت ایجاد بشود. تبع ایجاد عدالت فرصت پیدا می‌شود برای اینکه هرکس هرچیزی دارد بیاورد. وقتی که آشفته است نمی‌توانند، در یک محیط آشفته نمی‌شود که اهل عرفان عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه فلسفه‌شان را، اهل فقه فقه‌شان را، لکن وقتی حکومت یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت که فرصت‌طلب‌ها به مقاصد خودشان برسند، یک محیط آرام پیدا می‌شود، در این محیط آرام همه چیز پیدا می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۱۱۶). بنابراین، در نگاه امام، دستیابی به همه چیز یا دستیابی به حکومت مطلوب (و به‌نوعی کارآمدی از دید امام) و ویژگی‌های حکومت کارآمد بر مبنای استقرار عدالت و در طول عدالت انجام می‌گردد. تعریف کارآمدی در طول

مفهوم عدالت به معنای بی‌اهمیت بودن یا کم‌اهمیت بودن این مفهوم در اندیشه امام نیست. بلکه مسئله، اعم و اخص بودن جایگاه کارآمدی در اندیشه امام خمینی و رابطه آن با عدالت است. در جهان‌بینی اسلامی، اصول، مؤلفه‌ها و مفاهیم در یک نظام طولی معنا پیدا می‌کنند و با تحلیلی که از جایگاه عدالت در اسلام و اندیشه امام ارائه گردید، فراگیری و اعم بودن عدالت نسبت به کارآمدی در این نظام طولی قابل دریافت است.

درواقع، بررسی داده‌های پژوهش درباره عدالت و کارآمدی در اسلام بیانگر ریشه داشتن و متأثر بودن این مفاهیم از جهان‌بینی اسلامی است. امام خمینی نیز در راستای جهان‌بینی اسلامی، عدالت و کارآمدی را تبیین نموده و با اعتقاد به وجود رابطه طولی بین عدالت و کارآمدی و گسترده و فراگیر بودن مفهوم عدالت به نسبت کارآمدی، تحقق عدالت را شرط لازم برای تحقق کارآمدی نظام سیاسی می‌داند.

نتیجه‌گیری

رابطه عدالت و کارآمدی در اسلام و بررسی جایگاه رابطه این دو در اندیشه امام خمینی (ره) موضوع این مقاله است. براساس پرسش پژوهش «چه نسبتی میان عدالت و کارآمدی در اندیشه امام خمینی (ره) وجود دارد؟» دیدگاه‌های مختلف در باب رابطه این مفاهیم تبیین شد؛ دیدگاهی چون لیبرالیسم با اولویت دادن به کارآمدی، عدالت را فدای آزادی و کارآمدی می‌کند، درمقابل، دیدگاه دیگری چون سوسیالیسم با محور قرار دادن عدالت، کارآمدی را به حاشیه می‌راند. این پژوهش با نشان دادن تفاوت مکاتب و جهان‌بینی‌ها و تعاریف و برداشت‌های متفاوت هر جهان‌بینی از واژه‌های عدالت و کارآمدی به تعریف عدالت و کارآمدی در اندیشه اسلامی پرداخت و در همین راستا، رابطه عدالت و کارآمدی در اندیشه امام خمینی مورد بررسی قرار گرفت. تشریح جایگاه عدالت و کارآمدی در اسلام و تبیین میزان تأثیرپذیری امام از این دیدگاه، بخشی از پاسخ به پرسش پژوهش را در برداشت: نگاه اسلام به عدالت به‌عنوان مبنایی‌ترین و مهم‌ترین هدف انبیا و تأکید بر عدالت به‌عنوان آرمان نهایی، فضیلت برتر و صفت مطلق خداوند از یک‌سو و تبیین و تعریف کارآمدی در طول اندیشه عدالت و تحقق کارآمدی با تشکیل

حکومت مطلوب و تبیین مهم‌ترین شاخص حکومت مطلوب با مفهوم عدالت از سوی دیگر، ربط وثیق عدالت و کارآمدی در اندیشه اسلامی و امام نشان داده شد.

عدالت در اندیشه امام مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی به‌عنوان یکی از محوری‌ترین مفاهیم اندیشه اسلامی تعریف می‌شود؛ فراگیری، عام و جامعیت عدالت در چارچوب رویکرد طولی، مفاهیم دیگر نظیر کارآمدی را نیز تعریف و تبیین می‌کند. از این دید برای تعریف کارآمدی ورود به مفهوم عدالت ضروری است؛ از مفهوم کلی و محوری عدالت و بدون فروکاستن یکی به دیگری، تعریف کارآمدی به دست می‌آید. در اندیشه اسلامی و امام کمال از خداوند آغاز می‌گردد و عدالت غایی و مطلق از خداوند ناشی می‌شود. یکی از دلایل برتر بودن و مبنایی بودن فضیلت عدالت، اتصال آن به کمال و خداوند است. راه سیر انسان به ملکوت خداوند، عدالت و استقرار آن است. برپایی حکومت مطلوب (کارآمدی) در طول استقرار عدالت و در راستای حکومت عدل است. در این چارچوب، ترسیمی و در درون یک شبکه منسجم و یکپارچه، عدالت و کارآمدی و سایر مفاهیم در یک نظام طولی و براساس اعم و اخص در کنار هم معنا پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، از نگاه امام یکی از شروط اصلی سنجش میزان کارآمدی نظام سیاسی بسته به میزان اهتمامی است که این نظام نسبت به برقراری عدالت اجتماعی مبتنی بر رویکردی توحیدی دارد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۸)، *الهیات از کتاب شفا*، ترجمه ابراهیم داجوف تهران: امیرکبیر.
- اختر شهر، علی (۱۳۹۴)، «الزامات عدالت و آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۴۲: ۱۷۵-۱۹۲.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، *درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام*، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳)، «پاسخگویی و کارآمدی»، *مجله حکومت اسلامی*، شماره ۳۴: ۶۰-۸۳.
- امام خمینی (۱۳۶۹)، *وصیت‌نامه سیاسی الهی*، تهران: نشر اسوه.
- امام خمینی (۱۳۷۰)، *صحیفه نور*، دوره ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.

- امام خمینی (۱۳۷۴)، ولایت فقیه، قم: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی (۱۳۸۷)، صحیفه امام، جلد ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی (بی‌تا)، کتاب البیع، پنج جلد، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- امام خمینی (پاییز ۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انصاری، منصور و نظری، سعید (۱۳۹۳-۱۳۹۴)، «نسبت عدالت با آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۲ و ۳: ۷-۲۹.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، تهران: سخن.
- اونیل، پاتریک (۱۳۸۶)، مبانی سیاست تطبیقی، تهران: قومس.
- ایران نژاد، ابراهیم؛ جمشیدی، محمدحسین و فرشیا فیان، احمد (۱۳۹۱)، «عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره اول: ۱۱۵-۱۳۴.
- آقابخش، علی (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (۲): لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تهران: نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران: نی.
- پورغفار، جواد و حسین‌زاده، حجت (۱۳۹۴)، «تقابل عدالت و کارایی: اندازه‌گیری تأثیر نابرابری و مالیات‌ها بر رشد اقتصادی در ایران»، مجله اقتصادی، سال پانزدهم، شماره‌های ۱ و ۲: ۳۹-۵۲.
- پیغامی، عادل؛ تراب‌زاده جهرمی، محمدصادق و سجادی، سیدعلیرضا (۱۳۹۵)، گفتارهایی در عدالت اجتماعی (جلد ۱)، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ترکشوند، سینا و دیگران (۱۳۹۷)، «تبیین ملزومات معرفت‌شناختی عدالت از دیدگاه فارابی به منظور استخراج دلالت‌های آن در عرصه عدالت تربیتی»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۷۶، سال بیست و دوم، شماره سوم: ۳۸۱-۴۰۴.
- تقوی، سیدمصطفی (۱۳۹۰)، «احکام حکومتی؛ قانون اساسی و کارآمدی»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول: ۲۳-۴۵.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، نظریه عدالت از دیدگاه ابونصر فارابی، امام خمینی و شهید صدر، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۸)، «ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی (س)»، مجله حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره چهارم: ۱۷۱-۲۰۵.
- جمشیدی، محمدحسین و درودی، مسعود (۱۳۸۹)، «مفهوم و شاخصه‌های عدالت سیاسی در گفتمان سیاسی امام خمینی (با تأکید بر نظریه عدالت سیاسی رالز)»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره بیست و دو: ۱۷۹-۲۰۵.
- جیمز، ویلیام (۱۳۸۷)، دین و روان، ترجمه مهدی قائمی، قم: دارالفکر.
- حاتمی، محمدرضا و لعل‌علیزاده، محمد (۱۳۸۹)، مبانی علم سیاست، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- حیدرپور، حسین (۱۳۸۵)، «پیشینه فرهنگ شایسته‌سالاری: دیدگاه‌ها و شاخص‌ها»، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه شایسته‌سالاری در سازمان‌ها، تهران: شیوه.
- خدوری، مجید (۱۳۹۴)، برداشت مسلمانان از عدالت، ترجمه صمد ظهیری و مصطفی یونسی، قم: دانشگاه مفید.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رضوانی، محسن (۱۳۸۴)، «کارآمدی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی»، فصلنامه تخصصی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱: ۱۸۳-۲۱۶.
- رستمی، محمدزمان (۱۳۸۴)، «عدالت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و غربی»، جستارهای اقتصادی، شماره ۴: ۱۱۳-۱۳۶.
- صدرا، علیرضا و کرم‌زادی، مسلم (۱۳۸۸)، «بررسی کارآمدی حکومت از دیدگاه امام خمینی»، حکومت اسلامی، سال چهاردهم، شماره سوم: ۱۱۹-۱۳۶.
- صلاحی، ملک‌یحیی (۱۳۸۱)، اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران: قومس.
- طبایری، هادی (۱۳۹۷)، «عدالت در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه»، مطالعات حقوقی، شماره ۱۹: ۳۵-۵۴.
- عمید، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.
- عنایت، حمید (۱۳۵۱)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، از هراکلیت تا هابز، با مقدمه و اهتمام حمید مصدق، تهران: دانشگاه تهران.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۴)، عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- فراهی، ابونصر محمد (۱۴۰۵)، فصول منتزعه، تهران: الزهراء.
- فتحعلی، محمود (۱۳۸۱)، مباحثی در باب کارآمدی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- فتحعلی، محمود (۱۳۸۳)، «کارآمدی نظام اسلامی»، صباح، سال سوم، شماره ۱۲ - ۱۱: ۳۷-۵۶.
- قادری، حاتم (۱۳۸۱)، *آزادی وجدان مفهومی پس‌پيامبري*، تهران: اختران.
- قاسمی، فرج‌الله (۱۳۸۹)، «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران: شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام خمینی»، *مجله حکومت اسلامی*، شماره ۲۶: ۱۵۷-۱۸۲.
- قاسمی، فرج‌الله (۱۳۸۹)، «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام خمینی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۲: ۱۵۳-۱۷۷.
- کدخدایی، عباسعلی و عباسیان، محبوبه (۱۳۹۹)، «مبانی نظری عدالت اقتصادی در پرتو کارآمدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، دوره ۵۰، شماره ۱: ۲۱-۱.
- کلانتری، ابراهیم (۱۳۹۳)، کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۴، شماره ۳: ۴۶۵-۴۸۱.
- کوزه‌گر، محمد (۱۳۹۲)، «تحلیل رابطه کارآمدی سیاسی و تکلیف‌گرایی در گفتار امام خمینی»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۶: ۸۹-۱۱۲.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۳)، *مباحثی در مشروعیت و کارآمدی*، تهران: سروش.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *جهان‌بینی توحیدی*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، انسان در قرآن*، جلد ۴، قم: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، *فرهنگ معین (شش جلدی)*، تهران: امیرکبیر.
- میرسندهی، محمد (۱۳۸۱)، *گفتارهایی در اندیشه اجتماعی امام خمینی (با تأکید بر عدالت و توسعه)*، تهران: دانشگاه امام حسین، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- نادری، محمد مهدی و سرلک، کتابون (۱۳۹۵)، «بازاندیشی معرفتی و مفهومی عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی و جان راولز»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال نهم، شماره ۳۴: ۷۷-۹۴.
- نبوی، مرتضی (۱۳۹۴)، *جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های کارآمدی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۴)، «شاخص کارآمدی اسلام در بعد ساختاری نظام اسلامی»، *فصلنامه معرفت‌سیاسی*، شماره ۱۳: ۵-۲۸.